

خط زرد

هشدار های پلیس درباره سرقت از منازل

- در صورت وجود آیفون تصویری یا چشمی روی در حتما محل را با نصب یک چراغ روشن نگه دارید تا قادر به تشخیص و مشاهده افراد باشید.
- استفاده از چراغ های دارای حسگر و روشن شوند به حرکت افراد توصیه می شود.
- هنگام مشاهده افراد مشکوک و مظنون در اطراف منزل مراتب را به کلانتری اعلام کنید.
- هرس کردن درخت ها و درختچه هایی که یک سارق می تواند بین آن ها مخفی شود.
- خودداری از یادداشت گذاشتن روی در ورودی.

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

خانواده استاد به حکم دادگاه نجفی اعتراض می کنند

مسعود افزا، ه و کیل خانواده میترا استاد گفته تیم و کیلان خانواده استاد به بخشی از رای محمد علی نجفی اعتراض کرده و بابت برائت او از اتهام «زدن آسیب عمدی بدنی غیر موثر در فوت»، فرجام خواهی خواهند کرد. به گزارش روز آروز، دادگاه رسیدگی به قتل میترا استاد اعلام کرده بود آسیب هایی که به استاد خورده «یک صدمه» بوده؛ دو تیر به او نخورده و یک تیر نخست به کف دست اش خورده و او دست گذشته و در قفسه سینه وی جای گرفته و بنا بر این نجفی را که به سبب قتل عمد به قصاص محکوم کرده از اتهام دیگرش که «زدن آسیب عمدی بدنی غیر موثر در فوت» بود، تبرئه کرد.

دستبند پلیس بر دستان قاچاقچی فراری با ۲ تن مواد مخدر

توکلی – قاچاقچی فراری پس از چهار سال در عملیات پلیس دستگیر شد. فرمانده انتظامی رودبار جنوب گفت: از این شرورو قاچاقچی مسلح طی دو مرحله بیش از دوتن مواد مخدر کشف شده و تا کنون تحت تعقیب بود.

به گزارش خبرنگار ما، سر هنگ فیروز بخت در این باره اظهار کرد: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر این شهرستان با انجام کار اطلاعاتی، موفق شدند یک قاچاقچی فراری را در یکی از نقاط شهر کرمان شناسایی کنند.

وی افزود: در این زمینه گروهی از ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر رودبار جنوب با حضور در محل مزبور در شهر کرمان و ضمن هماهنگی و دریافت مجوز از مقام قضایی، این متهم را در یک منزل مسکونی دستگیر کردند.

این مسئول انتظامی یادآور شد: ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر طی دو عملیات موفق شدند در سال های ۹۴ و ۹۵ از این قاچاقچی مسلح بیش از دوتن مواد مخدر کشف کنند. وی خاطر نشان کرد: در این عملیات ها، دو نفر از ماموران پلیس نیز جانبا ز شدند.

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفرارش می پذیرد
۰۵۱۳۲۰۰۹۳۹۰ <p>layout@khorasannews.com</p>

روز گذشته مصاحبه ای از پدر یک دانش آموز اهل شهرستان رستم آباد رودبار به همراه تصاویر فرزندش که عصا زیر بغل دارد، منتشر شد که مدعی است پسرش به واسطه تنبیه معلمش فلج شده و او نتوانسته به دلیل آن چه اعمال نفوذ معلم در پرونده خواند حقتش را بگیرد.

به گزارش رکنار، روز ۲۵ اسفند ماه سال گذشته دانش آموز پایه ششم در حیاط مدرسه با دوستانش سرگرم بازی بود که در یک ماجرای بچه گانه با یکی از دانش آموزان پایه سوم که در حال بازی فوتبال بود درگیر شد؛ در این صحنه معلم جوان که با دانش آموزان پایه سوم در حال بازی بود متوجه درگیری این دو دانش آموز شد. به ادعای این گزارش، وی بدون هیچ صحبتی به سمت پسر ۱۲ ساله رفت و چند لگد محکم به پای این پسر زد. (فیلم این صحنه نیز در سایت رکنار قرار داده شده است)

محمد سجاد لنگان لنگان به اتاق مدیر مدرسه رفت و از معلم جوان شکایت کرد اما هیچ اتفاقی نیفتاد و این دانش آموز در حالی که اشک می ریخت به کمک دوستانش به کلاس درس رفت تا زنگ آخر به صدا درآمد و به سختی خود را به پشت در اتاق مدیر رساند تا این که پدرش وارد مدرسه شد.

پدر محمد سجاد وقتی پسرش را دید که نمی تواند روی پایش بایستد و ارد اتاق مدیر شدو خواست تا دور بین مدار بسته حیاط مدرسه

را بررسی کند تا متوجه علت این درگیری شود که در صحنه ای عجیب دیدم معلم جوان بدون هیچ حرفی برای جدا کردن دو دانش آموز، محمد سجاد را با لگدهای پی در پی از محل دوری می کند. او پسرش را به بیمارستان منتقل و از معلم شکایت کرد.

پنج ماه از این ماجرا می گذرد و محمد سجاد تنها با کمک یک عصا و به آرامی قدم می زند و پدرش وقتی دید شکایت هایش در شهرستان به نتیجه نمی رسد به تهران آمد و به پزشکی قانونی کل کشور مراجعه کرد و خواست تا نظریه دقیق را برای پرونده فرزندش اعلام کند.

محمد سجاد رستمی که به کمک یک عصا و به سختی راه می رود ضمن تشریح صحنه این برخورد به رکنار گفت: حدود سه ماه داخل خانه به صورت استراحت کامل بودم و تنها کاری که مدرسه مان انجام داد این بود که یک معلم به خانه فرستادن تا امتحاناتم را جواب دهم.

این پسر نوجوان که مقام دومی شهر خود را در رشته دو میدانی دارد به خبرنگار رکنار گفت: آرزو داشتم پلیس شوم و در رشته ورزشی دوو میدانی شرکت کنم و مقام آور شوم اما حالا وقتی صدای بازی بچه ها را می شنوم تنها خودم را به پشت پنجره خانه می کشانم و آن ها را تماشا می کنم و دیگر نمی توانم همراه آن ها باشم.

وی افزود: پای راستم یک سانت کوچک تر

دستگیری دزدی که اموال سرقتی را در فضای مجازی می فروخت

وی افزود: ما موران کلانتری ۱۳ این فرد را در یک اقدام ضربتی و غافلگیرانه هنگام سرقت دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند. این مسئول انتظامی خاطر نشان کرد: این سارق در بازجویی ماموران به ۲۵ فقره سرقت قطعات خودرو از جمله ضبط، زاپاس و محتویات داخل خودرو و اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده به مرجع قضایی تحویل و با قرار صادره روانه زندان شد.

کرمان از دستگیری سارق و عامل فروش اموال سرقتی در فضای مجازی خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ محمدرضا فداء روز گذشته گفت: در پی گزارش وقوع چندین فقره سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو در روزهای اخیر در شهر کرمان ماموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات گسترده پلیسی دریافتند، یک متهم در خصوص سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو و فعالیت دارد.



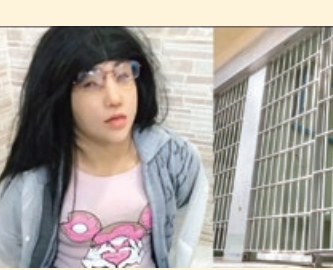
از پای چپم شده و حتی رشد و تفاوت را در پاهایم می توانید مشاهده کنید و از این که دیگر نمی توانم مثل قبل باشم ناراحتم.

■ **در دلد پدرانه و اعتراض به بی عدالتی** پدر محمد سجاد رستمی در خصوص این

حادثه مدعی است : شکایت کردم اما به خاطر بی عدالتی نتوانستم حق پسرم را بگیرم، آن ها با اعمال نفوذی که داشتند مانع آن شدند که نظریه پزشکی قانونی به درستی به دادگاه برسد و در نظریه پزشکی وضعیت پای پسرم را نرمال اعلام کردند این در حالی بود که هشت پزشک متخصص و ارتوپد با دیدن تصاویر پاهای پسرم اعلام کردند که سه جای پای او شکسته و مفصل رشد نیز آسیب دیده است اما شکایتیم به جایی نرسید تا این که تصمیم گرفتم به تهران بیایم. وی افزود: شهر مان کوچک است و همه همدیگر را می شناسند و همین باعث اعمال نفوذ در پرونده پسرم شده است به تهران مراجعه کردم و در پزشکی قانونی کل کشور پیگیری پرونده و نظریه اصلی هستم تا حق پسرم پایمال نشود.

رستمی گفت: تا الان حدود ۲۰ میلیون تومان برای درمان پسرم پرداخت کرده ام که به خاطر بی پولی مجبور شدم یخچال و فرش خانه را بفروشم و هیچ یک از مدیران و معلمان در این ماجرا به کمک ما نیامدند، حتی پزشکان متخصص اصرار دارند پسرم را در بیمارستان خصوصی بستری کنم اما هزینه درمان آن زیاد است. محمد سجاد باید ۲۱ روز در بیمارستان بستری شود و هزینه هر شب آن فقط ۷۰۰ هزار تومان است که پول در مان ندارم و پیگیری پرونده پسرم هستم تا شاید راهی پیدا شود.

مرگ خانم زندانی مر موز در سلول انفرادی مردان!



مواد مخدر بود که صبح دیروز جسد حلق آویز شده اش در سلول انفرادی پیدا شد.

ویدئویی که از فرار داسیلوا منتشر شده او را نشان می دهد که چطور با یک روکش سیلیکونی و یک کلاه گیس و عینک خودش را شبیه دختر نوجوانش کرده است، او سپس در برابر دوربین دیده می شود که با برداشتن کلاه گیس و روکش پلاستیکی چهره اصلی خود را نشان می دهد.

ماجرای عجیب شارژهای تخفیف دار

دامی که کلاهبرداران پهن کرده بودند



قرار دادن تبلیغات در کانال وی از او خواست تا با افزایش عضو با عنوان ‘ادبزنجایزه بگیر’ جایزه دریافت کند که این جایزه همان فروش شارژهایی با قیمت استثنایی و یک سوم بازار بوده است. با توجه به ادله موجود، مادر می برند و مسئولیت سرقت صورت گرفته به افراد بی گناه انتقال می یابد. این مقام مسئول گفت: با روشن شدن موضوع و با تلاش شبانه روزی و اقدامات فنی و پلیسی کارشناسان پلیس فتا متهم اصلی این پرونده در استان خراسان رضوی به همراه همدستش دستگیر و به پلیس فتا منتقل شد. وی یادآور شد: شهروندان می توانند با درخواست رمز یک بار مصرف (OTP) از بانک عامل و دانلود نکردن نرم افزار از منابع نامشخص نظیر شبکه های اجتماعی از کارت های عابر بانک و موجودی حساب خود صیانت کنند.

■ **اما منشا کلاهبرداری ها کجا بوده است؟**

سرهنگ جهانشیری تصریح کرد: با توجه به شگرد به کار گرفته شده توسط متهم اصلی، احتمال سرقت از نوع فیشینگ قوت گرفت و کارشناسان پلیس فتا دریافتند وجوهی که از قربانیان به صورت غیرمجاز برداشت شده با خرید شارژ و کسر رقمی

حوادث

۱۳

در امتداد روشنائی

رهایی از عذاب وجدان

عذاب وجدان رهایم نمی کند چرا که بسیاری از جوانان همسن و سال خود را به سوی مصرف مواد مخدر سوق داده ام اما در شرایط سختی قرار گرفته بودم که چاره ای جز خرده فروشی مواد مخدر نداشتم و...

این ها بخشی از اظهارات زن ۲۴ ساله ای است که برای رهایی از چنگ هیولای مواد افیونی دست به دامان نیروهای انتظامی شده بود تا او را برای ترک اعتیاد یاری دهند. این زن جوان که از گذشته خود رفتارهای مجرمانه اش بسیار پشیمان بود، با چهره ای خجالت زده وارد دایره مددکاری اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد شد و با بغضی در دناک به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: در خانواده ای به دنیا آمدم که از نظر اقتصادی و اجتماعی در وضعیت نامناسبی قرار داشتمیم. پدرم کارگر ساده ای بود که نمی توانست مخارج زندگی را تامین کند. با وجود این، اعتیاد پدرم روزگار را بر ما سخت تر کرده بود به طوری که او یک روز سر کار می رفت و باز تا چند روز بیگار بود. در این شرایط اقتصادی نامناسب، مادر من نیز از یک بیماری صعب العلاج رنج می کشید و ولی از دست هیچ کس کاری بر نمی آمد، به همین دلیل من هم که شرایط روحی و مالی خوبی برای ادامه تحصیل نداشتم، در مقطع راهنمایی درس و مدرسه را رها کردم و نزد مادرم به امور خانه داری دراختم تا بتوانم از مادر بیچارم مراقبت کنم، چرا که در حاشیه شهر زندگی می کردیم و از امکانات دارویی و درمانی دور بودیم. خلاصه، روزگار ما به همین ترتیب می گذشت تا این که در ۱۶ سالگی «قدرت» به خواستگاری ام آمد. اگر چه آن زمان اطلاعات زیادی درباره ازدواج و زندگی نداشتیم اما برای رهایی از این شرایط سخت زندگی، تصمیم به ازدواج گرفتم تا شاید روزگار پدر و مادرم بهتر شود. این گونه بود که چند روز بعد پای سفره عقد نشستیم و بدون برگزاری مراسمی به عقد «قدرت» درآمد ولی به دلیل این که آگاهی کافی درباره موضوعات خاص ناشویی نداشتم، چند هفته بعد و به طور ناخواسته باردار شدم، این در حالی بود که بیماری مادرم هر روز شدت می گرفت و من باید به او کمک می کردم. با وجود این، عمر او به این دنیا نبود و یک ماه قبل از آن که دخترم به دنیا بیاید، دارفانی را وداع گفت و من همه تکیه گاه و امیدم را از دست دادم. از آن روز به بعد به خاطر این که هیچ خواهر و برادری نداشتم، خیلی احساس تنهایی می کردم تا این که همزمان با به دنیا آمدن دخترم در حالی که کسی در اطرافم نبود، پدرم به منزل ما آمد تا من و نوزادم مراقبت کند. در شرایطی که به افسردگی بعد از ایام مبتلا شده بودم و دردهای جسمی نیز داشتم، خیلی رنج می کشیدم و دروازه های مسکن زیادی استفاده می کردم، به همین دلیل وقتی پدرم بساط استعمال مواد مخدرش را پهن می کرد، از من هم می خواست برای کاهش درد هایم کنار او مقداری مواد مخدر مصرف کنم. من هم که احساس می کردم بعد از هر بار مصرف مواد مخدر سنتی آرام می گیرم و از شدت دردهای جسمی ام کاسته می شود، خودم نیز به مصرف شیره و تریاک ترغیب می شدم چرا که خیال می کردم خلاصه، تا زمانی که پدرم در منزل ما حضور داشت و کنار ما زندگی می کرد، من هم روزی ۲-۳ بار کنار بساطش می نشستم و پا به پای او مواد مصرف می کردم. «قدرت» هم که صبح زود از منزل خارج می شد و سر کار می رفت مخالفتی با استعمال مواد مخدر نداشت چرا که پولی برای هزینه های دارو و درمان من نمی پرداخت. من هم به این وضعیت عادت کرده بودم و از مواد مخدر پدرم استفاده می کردم. بالاخره زمانی به خودم آمدم که دیگر اعتیاد شدیدی به مواد مخدر پیدا کرده بودم و اگر ساعتی دیرتر به مواد می رسیدم، وضعیت روحی و روانی ام کاملاً به هم می ریخت. وقتی پدرم به منزل خودش رفت، تهیه مواد مخدر برایم بسیار سخت شد. چند بار از قدرت خواستم برایم مواد مخدر فراهم کند ولی او هر بار مدعی بود که پولی برای خرید مواد ندارد. همسر من گفت درآمد کارگری من به اندازه ای نیست که بتوانم بخش زیادی از آن را به فروشندگان مواد مخدر بپردازم. به ناچار نزدیکی از خرده فروشان مواد مخدر رفتم که قبلاً نیز پدرم از او مواد می خرید. وقتی آن ساقی مواد مخدر فهمید که من پولی ندارم، ابتدا با تشریبی با من برخورد کرد ولی وقتی به او پیشنهاد دادم که در قبال تامین مواد مصرفی، حاضرم برای او خرده فروشی کنم، بسیار خوشحال شد و این گونه، من نیز یکی از خرده فروشان مواد مخدر شدم اما حالا با گذشت مدتی از این ماجرا، دچار عذاب وجدان شده ام و می خواهم با ترک اعتیاد، گذشته را جبران کنم شاید...

شایان ذکر است، به دستور سروان محمد ولیان (رئیس کلانتری پنجتن) این زن جوان به مراکز ترک اعتیاد معرفی شد تا زندگی جدیدی را آغاز کند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی